وزیر خارجه کشورمان بر روابط خوب و ممتاز با همه همسایگان تأکید کرد

در دیدار سفیر ایران در جمهوری آذربایجان با حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه کشورمان بر روابط خوب و ممتاز با همه همسایگان تأکید کرد.

وزیر امور خارجه کشورمان ضمن تأکید بر روابط خوب و ممتاز با همه همسایگان در چارچوب سیاست همسایگی دولت سیزدهم، رهنمودهای لازم را برای توسعه و تقویت روابط دو کشور همسایه در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ارائه کرد.

امیرعبداللهیان همچنین بر برگزاری موفق کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و جمهوری آذربایجان در آینده نزدیک تأکید کرد.

در این دیدار سیدعباس موسوی سفیر ایران در جمهوری آذربایجان گزارشی از آخرین تحولات روابط دوجانبه و برنامه‌های آتی ارائه کرد.

در جلسه هیأت دولت

وزیر کشور موظف به اجرای قانون هوای پاک شد

رئیس جمهور در جلسه هیات دولت با موظف کردن وزیر نفت برای ساماندهی مصرف انرژی در بخش‌های مختلف و همچنین جلوگیری از قاچاق سوخت بر مدیریت مصرف انرژی در کشور تأکید کرد. همچنین وزیر کشور به عنوان مسئول اجرای قانون هوای پاک موظف شد با پیگیری دقیق عملکرد دستگاه‌های مسئول در این قانون، نسبت به اقدامات انجام شده اطلاع‌رسانی مقتضی را انجام دهد.

حجت الاسلام رئیسی در ادامه با تأکید بر ضرورت اطلاع‌رسانی متقن و مستند به منظور مقابله با اخبار و اطلاعات نادرست افزود: دستگاه‌های اجرایی اهداف تعیین شده حوزه مسئولیت خود در قوانین و اسناد بالادستی را مرتب مرور کنند تا مشغول شدن به امور روزانه آنها را از اهداف اصلی و بلند خود به ویژه در عرصه جذب سرمایه‌ها، ارتقای بهره‌وری و افزایش سرعت رشد کشور غافل نکند.

رئیس جمهور با قدردانی از حضور معنادار مردم در آیین‌های تجلیل و گرامیداشت شهدای مقاومت گفت: این حضور آگاهانه مردم به‌رغم مشکلات موجود، دارای پیام‌های خاصی بوده و پیام آن برای مسئولین تلاش مضاعف در راستای کاهش مشکلات و دغدغه‌های مردم است.

سید ابراهیم رئیسی از حضور معنادار مردم در مراسم‌های تجلیل و گرامیداشت یاد شهدای مقاومت و به ویژه سردار سلیمانی قدردانی کرد و گفت: این حضور آگاهانه مردم به‌رغم مشکلات موجود، دارای پیام‌های خاصی است که البته این پیام برای مسئولین تلاش مضاعف برای انجام وظیفه و کاهش مشکلات و دغدغه‌های مردم است.

هشدار ایران به رژیم صهیونیستی در نامه به دبیرکل و رئیس شورای امنیت سازمان ملل

سفیر و نماینده دائم ایران نزد سازمان ملل با ارسال نامه‌ای به دبیرکل و رئیس شورای امنیت سازمان ملل به سخنان جنگ طلبانه اخیر مقامات رژیم صهیونیستی واکنش نشان داد.

امیر سعید ایروانی، سفیر و نماینده دائم ایران در این نامه گفت: رژیم اسرائیل همچنان به نقض حقوق بین الملل و منشور سازمان ملل متحد علیه جمهوری اسلامی ایران از طریق تهدید به استفاده از زور علیه ایران ادامه می‌دهد که جدیدترین آن‌ها اظهارات جنگ طلبانه مقامات این رژیم است که آشکارا تهدید به استفاده از زور علیه برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران کرده‌اند.

سفیر ایران تأکید کرد: تهدیدِ توسل به زور درحالی ازسوی مقامات این رژیم نامشروع مطرح می‌شود که برنامه هسته‌ای صلح آمیز ایران تحت اقدامات راستی آزمایی، نظارت و شفافیت هسته‌ای آژانس بین المللی انرژی اتمی بوده که در تاریخ این آژانس بی‌سابقه بوده است.

در این نامه آمده است: این اولین بار نیست که رژیم اسرائیل علیه ایران متوسل به تهدید به زور شده است، این رژیم قبلاً و آشکارا مسئولیت خود را در قبال عملیات تروریستی و مخرب انجام شده علیه مقامات، دانشمندان، غیرنظامیان و زیرساخت‌های صلح آمیز هسته‌ای ایران در داخل خاک ایران در سال‌های اخیر پذیرفته است و در واقع، چنین اظهارات جنگ‌افروزی نشان می‌دهد که رژیم اسرائیل مسئول همه اعمال جنایتکارانه و تروریستی علیه ایران است و باید عواقب آن را نیز بپذیرد.

در نامه نماینده دائم کشورمان به دبیرکل تأکید شده است: جمهوری اسلامی ایران ضمن هشدار نسبت به ماجراجویی نظامی رژیم اسراییل علیه ایران به منظور اجرای سیاست‌های شرورانه خود در منطقه، حق مشروع خود را مطابق حقوق بین الملل و منشور ملل متحد برای پاسخ به هرگونه تهدید ازسوی رژیم صهیونیستی و دفاع از مردم و همچنین منافع امنیت ملی خود، در هر زمانی که تشخیص دهد، محفوظ می‌دارد.

در پایان نامه ایروانی تصریح شده است: شورای امنیت سازمان ملل متحد باید به مسئولیت خود ذیل منشور در حفظ صلح و امنیت بین المللی پایبند بوده و اظهارات جنگ طلبانه و فعالیت‌های شرورانه رژیم اسرائیل را که تهدیدی واقعی برای صلح و امنیت بین المللی است، محکوم کند. این رژیم باید مجبور به تبعیت از قوانین بین المللی و کنار گذاشتن نقشه‌های شوم و خطرناک خود برای منطقه شود.

لابی برای طالبان در لباس دین!

بقیه از صفحه اول

اعضای هیأتی که با استفاده از عنوان شورای علمای شیعه افغانستان به ایران و عراق سفر کرده اند، در واقع لابی گران گروه طالبان هستند و افرادی هستند که به صورت رسمی اعلام کرده‌اند با گروه طالبان بیعت کرده‌اند.

مواضع و دیدگاه اعضای این هیأت به هیچ وجه مواضع و دیدگاه جامعه اهل تشیع افغانستان نیست و شیعیان افغانستان به هیچ وجه نمی‌توانند ظلم و ستمی را که در حق شیعیان درحال حاضر جریان دارد، بپذیرند و علیه آن اعتراض نکنند.

در تاریخ تشیع افغانستان، مبارزه با بی‌عدالتی و ظلم و ستم، یکی از نقاط برجسته و افتخار آمیز است، اما همواره چهره‌ها و گروه‌های بوده‌اند که با روحیه نوکرمنشی، در تلاش بذای تضعیف شیعیان افغانستان بوده‌اند و علیه منافع مردم ایستاده و توطئه کرده‌اند. این چهره‌ها راتاریخ فراموش نکرده است.

خوشبختانه اکنون مردم افغانستان به سطحی از آگاهی و شعور سیاسی دارند که فریب تحریف و تزویر را نمی‌خورند؛ چنانکه این مسئله رادر کامنت‌هائی که زیر پست‌های عضو هیأت کذایی در فضای مجازی گذاشته شده، به وضوح می‌بینیم.

متأسفانه لابی گران گروه طالبان برای قباحت زدایی از ظلم و ستمی که این گروه بر مردم افغانستان روا می‌دارند، از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند و استفاده سوء از دیدار با مراجع تقلید شیعیان، از جمله بی‌شرمانه‌ترین آنهاست.

علیرضا رجائی
۱۴ دی ماه ۱۴۰۱

اگر هاشمی بود...

۶

در آستانه ششمین سالگرد رحلت استوانه انقلاب اسلامی، سیاستمدار بی‌بدیل معاصر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رضوان‌الله تعالی علیه، روزنامه جمهوری اسلامی درصدد برآمد با توجه به شرایط خاص کنونی کشور، از صاحبنظران بپرسد اگر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اکنون در میان ما بود، با وضعیت موجود چه برخوردی می‌کرد؟

به این سؤال و همینطور درخواست نقل یک خاطره از ایشان، جمعی از صاحبنظران پاسخ داده‌اند که متن این پاسخ‌ها را از نظرخوانندگان گرامی روزنامه می‌گذرانیم.

متن سؤال‌ها اینها هستند.

۱ – پاییز ۱۴۰۱ با خاطره‌های رنج آوری از اعتراضات و اغتشاشات و خسارت‌های جانی و مالی زیادی به کشورمان همراه بود. در این شرایط دشوار، جای خالی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که بحران‌ها را با مهارت مهار می‌کرد خالی است. به نظر شما اگر ایشان در این زمان در میان ما بودند، چه می‌کردند؟

۲ – لطفا خاطره‌ای از نوع حکمرانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بفرمایید.

اگر هاشمی بود، پیشگیری را در اولویت قرار می‌داد

دکتر فاطمه هاشمی رفسنجانی

دکتر فاطمه هاشمی رفسنجانی، فرزند ارشد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و رئیس بنیاد امور بیماری‌های خاص است که نام او در میان اعضای مؤسس حزب اعتدال و توسعه نیز قرار دارد. وی از فعالان انجمن همبستگی زنان ایران و مؤسسه تحقیقات درمان و آموزش سرطان ایران است. دکتر فاطمه هاشمی با کمک فکری و اجرایی آیت‌الله در دوران ریاست جمهوری، بنیاد امور بیماری‌های خاص را بنا نهاد و بیشتر وقت خود را صرف این بنیاد و رسیدگی به بیماران می‌نماید. وی در کنار پدر، تجارب ارزشمند اجرایی را کسب کرد و همچنان به خدمات خود در این زمینه ادامه می‌دهد.

دکتر فاطمه هاشمی رفسنجانی به دو سؤال روزنامه جمهوری اسلامی با عنوان «اگر آیت‌الله هاشمی بود...» چنین پاسخ داده است.

***

سؤال اول – پاییز ۱۴۰۱ با خاطره‌های رنج‌آوری از اعتراضات و اغتشاشات و خسارتهای جانی و مالی زیادی به کشورمان همراه بود. در این شرایط دشوار، جای خالی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که بحرانها را با مهارت، مهار می‌کرد خالیست. به نظر شما اگر ایشان در این زمان، در میان ما بودند، چه می‌کردند؟

جواب

به نام خدا

با ابراز تاسّف و تالّم شدید از وقایع پیش آمده و تسلیت به ملت ایران، خصوصاً خانواده‌های داغدیده و عزادار و اظهار همدردی صمیمانه با آنها، ابتدا باید آرزو کنیم و امیدوار باشیم که در سایه عقلانیت و استفاده از خرد جمعی به ویژه جمع فرهیختگان و وطن دوستان واقعی، اولاً باید بپذیریم که اشتباه داشته‌ایم و مسیر طی شده گذشته از اول انقلاب تاکنون، آسیب شناسی شود.ثانیا، بدون حبّ و بغض و در فضایی آزاد و منصفانه، باب گفت‌وگو و تعامل با مردم بویژه جوانان را باز کنیم. صدای اعتراضی و سخنان به حق آنان را بشنویم. صدا و سیما را واقعا ملّی دیده و زمینه آزادی بیان دیدگاهها و تفکرات متفکران دلسوز همه جناحها را در آن فراهم کنیم. زندانیان سیاسی را آزاد و وفاق ملی در کشور ایجاد کنیم.

نقاط ضعف، بدعتها در دین و کج‌فهمی‌ها را شناسایی و مسیر اداره کشور را تا دیرتر از این نشده، با استفاده از علم و تجربه مدیران مجرّب و استادان دلسوخته دانشگاهی، اصلاح کنیم.از عملکردهای غلط گذشته پند بگیریم و به خواست و اراده مردم، بویژه جوانان، احترام بگذاریم وحق انتخاب و زندگی را از آنان نگیریم.

بعد از این مقدمه کوتاه، باید عرض کنم: همانطور که در سؤال مطرح شده، واقعاً جای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، به خصوص در این ایام، خیلی خالیست و کاملا احساس می‌شود. البته گاهی فکر می‌کنم شاید اگر ایشان در قید حیات بودند از مشاهده وقایع تلخ و ناگوار این روزها،خیلی خون دل می‌خوردند و نگران می‌شدند، ولی از طرف دیگر، با خود می‌گویم اگر ایشان زنده بود، نمی‌گذاشت کشور به شرایط کنونی دچار شود.بسیاری از اقشار مردم در مواجهه با ما و یا دوستان می‌گویند: گویی در غروب غمبار ۱۹ دی ماه سال ۹۵ با شهادت آیت‌الله هاشمی، کشور به نوعی سراشیبی و عقب گرد وارد شد و خیلی از معادلات کشور، چه از لحاظ جنبه‌های داخلی یا خارجی، بهم ریخت و شرایط کشور متفاوت شد. دوستان واقعی و دلسوزان کشور، به حق ایشان را مرد بحرانها می‌دانستند و هنوز هم فکر و اندیشه ایشان را راه حل مشکلات کشور می‌دانند. چون از قبل از انقلاب و در جریان مبارزات، همواره یکی از شخصیتهای مورد وثوق، قابل اتّکا، اعتماد و مراجعه مبارزین برای حل و فصل مسائل و بحرانهای مبارزه بود و ایشان در هر مقطعی، متناسب با شرایط زمانی و مکانی، راه‌حلهای مناسب و ایده‌های نو و کارگشا ارائه می‌کرد.

بعد از پیروزی انقلاب هم، در دوران تثبیت نظام و دوره‌های سخت دیگر به ویژه دوران‌های دفاع مقدس، سازندگی و... همواره همین نقش و جایگاه را البته با اتکا به رای و خواست مردم حفظ کرد و شاید به همین دلیل هم بود که مورد بغض و کینه بدخواهان قرار گرفت چون مستقل می‌اندیشید، اهل پنهان کاری و ریا نبود و واقعیتها را همانگونه که می‌فهمید و آنچه را که به صلاح و نفع کشور و مردم تشخیص می‌داد، بدون توجه به خوشایند یا اخم دیگران، بیان می‌کرد.از افراط و تفریط و زهد فروشی، بیزار بود و از تفکّر، تشخیص و اعتقاداتش، شجاعانه دفاع می‌کرد.

به مرور زمان که انقلاب از اهداف اوّلیه و آرمانهایش به دلیل افراط کاریها، سوءمدیریتها و بی‌تدبیریها، فاصله می‌گرفت، آیت‌الله هاشمی نیز به دلیل پایبندی به آرمانهای انقلاب و دفاع از حقوق مدنی، شرعی و قانونی مردم و مخالفت با این سیاستها، مورد هجمه، تخریب و انزوای انحصارگرایان و قدرت طلبان قرار گرفت ولی با تحمّل همه سختیها و ناملایمات، از راه صحیحی که تشخیص می‌داد پا پس نکشید و هزینه‌های زیادی هم، خود وخانواده‌اش دادند و نهایتاً، تا پای جان پای افکار و اعتقادات اعتدالی خود ایستاد.

به نظرم اگر اکنون بابا زنده بود، اولاً شاید نمی‌گذاشت به شرایط و حال و روز امروز برسیم و می‌توانست در مقاطعی و سر بزنگاهها، در تعدیل شرایط نقش آفرینی کند.به قول معروف، قبل از ابتلای کشور به شرایط بحرانی کنونی، پیشگیری را در اولویت قرار می‌داد و در جهت تحقّق خواست و اراده آحاد مردم و اکثریت جامعه،تلاش می‌کرد و تمام همّت و توان خود را برای جلوگیری از انحرافات و زمینه‌های نارضایتی بیشتر مردم، به کار می‌گرفت و قطعا با راهنمایی و وساطتهای به موقع، همچون پدری دلسوز برای وطن، سعی میکرد با ارائه راه حلهای عقلانی و خردمنّدانه و یاری گرفتن از اندیشه نخبگان، دانشگاهیان، شخصیت‌های مجرّب و دلسوز و دیدگاه‌ها و خواستهای ملت ایران، برای مدیریت امور و جلوگیری از سوء عملکردها و کاهش خشم و عوامل نارضایتی مردم، راه‌حلهای مناسب ارائه کند. برعکس برخی اظهارات و تصمیم‌گیری‌های نابخردانه فعلی که نه تنها به کاهش بحران کمک نمی‌کند، بلکه متأسفانه، بحران را پیچیده‌تر و عصبانیت مردم را بیشتر شعله‌ور می‌کند و بجای ایجاد آرامش در اکثریت مردم، برخی تصمیمات غلط، جامعه را دوقطبی کرده و مردم را در دو دسته، رو به روی هم قرار می‌دهد. قطعاً اگر ایشان زنده بود،نمی گذاشت چنین اتفاقاتی بیفتد و در حد توان و نفوذ خود، برای مهار بحرانها تلاش می‌کرد.

سؤال دوم – لطفاً خاطره‌ای از نوع حکمرانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بفرمایید.

جواب

در پاسخ به سؤال نوع حکمرانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، همانگونه که در پاسخ به سؤال اول گفتم، ایشان همیشه در سخت‌ترین و بحرانی‌ترین شرایط کشور، اولاً، با توجه به ایده‌ها و تفکرات سازنده‌ای که داشتند، در داخل به مردم امید و اطمینان واقعی (نه واهی) و اعتماد به نفس می‌دادند. ثانیاً، در دل دشمنان خارجی و بدخواهان کشور،(در زمان جنگ) ترس و وحشت ایجاد می‌کرد. (حتما خطبه‌های حماسی و امید بخش ایشان در زمان جنگ را در مقاطعی که امکانات نظامی کشور و خطوط جبهه در شرایط بدی قرار داشت را همه به خاطر دارند.)

ایشان با شجاعت، بدون لکنت زبان و مسامحه، هر جا که پای مصالح کشور، حق، اراده و منافع مردم در میان بود، دفاع می‌کرد. واقعیتهای جامعه، منطقه وجهان را براساس مقتضیات زمانی و مکانی، خوب می‌شناخت و مدّ نظر داشت و آنها را با مسئولان ومردم، بی‌پروا مطرح می‌کرد و هر مشکلی، ولو بسیار سخت و پیچیده را با کمک گرفتن و مشارکت دادن مردم در امور،حل شدنی می‌دانست. تلاش می‌کرد به خواست و اراده مردم، به ویژه قشر جوان دانشجو و تحصیلکرده، توجه شود و به اراده و توانمندی آنها، برای گذر از بحرانها، اعتماد و اطمینان قلبی داشت.

در اینجا، تنها به چند نمونه از فرازهایی از سخنان ایشان در مورد ضرورت توجه به نقش مردم، بویژه جوانان، استادان و دانشجویان دختر و پسر در اداره امور و آینده کشور که خوشبختانه در پایگاه اطلاع رسانی خانه موزه ایشان، بصورت مستند همراه صوت و تصویر موجود است اشاره می‌کنم. هشدارها و سخنانی که اگر در آن سالها، گوش شنوایی برای آن بود و به آنها عمل می‌شد، حتما شاهد وقایع تاسف بار امروزجامعه و وقایع ناگوار آن نبودیم.

«نگران وضعیتی هستیم که برای جوانان ما و نسل بعدی پیش آمده و شبهه و سؤال پیدا کرده‌اند که پاسخ به آنها آسان نیست.الان نخبه‌های کشور، جنگ دیده‌ها و کسانی که در انقلاب تربیت شده‌اند، توقع ندارندکه دروغها، فسادها، تهمت‌ها و وعده‌های خلاف و.. بشنوند و ببینند».

«متأسفانه برخی، افکار دانشجویان را سرکوب می‌کنند که کارزشتی است.جوانان دانشجو، باید آنقدر آزاد باشند تا بتوانند عقاید و ایده‌های خود را مطرح کنند. انتظار داریم، نقش دانشجویان در سیاست، انتخابات، مدیریت و حرکتهای جامعه، خیلی بالا باشد.»

«جوانان امروز، لحظه‌ای، تحولات دنیا را می‌بینند و ارزیابی می‌کنند.عده‌ای فکر میکنند با محدود کردن و بستن پنجره‌ها،جوانان را حفظ می‌کنند. این دیگر نشدنی است. متأسفانه الان در جامعه گرفتار یک بلیّه شده‌ایم. از حوزه‌های علمیه گرفته تا قوهٔ قضائیه و مخصوصاً امنیتی‌ها و بسیاری از نهادها، اصول رأفت اسلامی را فراموش کرده‌ایم و به اصول خشونتش توجه می‌کنیم. الان جوانان ما حسابی در خطر هستند. خطرشان هم این نیست که این آقایان بیشتر خیال کنند که فیلم یا اینترنت می‌بینند یا در دانشگاه مختلط هستند. امّا، مسأله این است که جوانان را درک نمیکنند، اینهایی که اینکارها را می‌کنند، اصلاً روانشناسی جوان را نمیدانند. به علاوه شرایط دنیا را نمی‌بینند.»

«آنچه بیش از مشکلات اقتصادی، مردم و به خصوص جوانان را آزار می‌دهد، تشدید آلودگی جامعه به دروغ، تهمت، فساد و تبعیض است. پیروزی نظام جمهوری اسلامی در عرصه‌های گوناگون پس از انقلاب اسلامی، مرهون لطف خداوند و پشتیبانی بی‌دریغ مردم است.»

«اگر میلیونها زن و مرد دانشجو و جوان پر انرژی داریم و اگر همه آگاهیهای جهانی را می‌توانیم از صفحات مجازی بگیریم و تحلیل کنیم، همه اینها نوید دهنده امید است.طبیعت ستمگری و ظلم این است که هجمه می‌آورد وحقوق انسانها را ضایع و پایمال می‌کند ولی از همین شرایط است که آگاهی برای انسان حاصل می‌شود.»

«اسلام از دانشجویان می‌خواهد، زنان و مردان آزاده باشند.باید با منطق، تفکر، مباحثه و استدلال، با متحجّرین برخورد کرده و شجاعانه حرفهایتان را بزنید.»

«امروز در جامعه دانشگاهی، پسران و بویژه دختران شجاعی هستند که وارد میدان شده و آشنایی کافی به مسائل دارند.»

«بسیاری از بداخلاقی‌ها، تهمت‌زنی‌ها و فحاشی‌ها، ناشی از تعصبات کور و غلبه افراط و دگم‌اندیشی به جای تعقل و منطق انسانی و اخلاقی است. متأسفانه درحال حاضر ممکن است پاسخهای قانع کننده‌ای به پرسش‌های جوانان داده نشود و در این حالت این نگرانی وجود دارد که این قشر پویا، پاسخ ابهامات خود را از مراجع دیگری بگیرند.»

«امیدوارم این احساس وظیفه و شعور در بین مسئولان ما وجود داشته باشد تا سرمایه انسانی که پنجاه سال به آن تکیه کرده‌ایم را حفظ و تقویت کنیم.

مردم آگاه دیگر زیر بار استبداد و استکبار نمی‌روند و اعتمادشان را فقط با خدمت درست و صادقانه می‌توان به دست آورد.

با ارائه آمار و ادعاهای دروغ و هزینه کردن وبه غارت بردن بیت المال برای خرید چند رای، دیگر جواب نمی‌دهد. مردم نیازمند، پول را می‌گیرند ولی به آنها رای نداده و لعنتشان هم می‌کنند.باید تلاش کنیم تا اعتماد مردم را برگردانیم...»

از نمونه‌های بارز دیگر این ادعا، دو نامه تاریخی مشترک ایشان با سران قوای وقت به امام در مورد انحرافات بنی صدر در دوران جنگ در سالهای ۵۸ و ۵۹ است که با اندک جستجو در فضای مجازی در دسترس و قابل مشاهده است.نمونه دیگر،جانشینی فرماندهی کل قوا ایشان در دوران جنگ تحمیلی است.آیت‌الله هاشمی، تا مقطعی که صلاح بود،جنگ را به خوبی فرماندهی کرد و در زمانی که براساس واقعیات کشور و برآورد فرماندهان نظامی، احساس کرد جنگ فرسایشی و خسارت بارشده و مردم و منابع کشور،آسیب بیشتری خواهند دید، شجاعانه با امام(ره)، مسئولان و فرماندهان، موضوع ختم جنگ و پذیرش قطعنامه را با علم به اینکه هزینه‌های زیادی برایش خواهد داشت مطرح و با قاطعیت کامل، از بروز یک فاجعه بزرگ انسانی برای کشور، جلوگیری کرد. حتی به امام گفت: مسئولیت پایان جنگ را شخصاً به عهده گرفته واعلام می‌کنم و بعداً شما دستور دهید مرا دستگیر و محاکمه کنند تا کشور و انقلاب حفظ شود که البته امام قبول نکردند.

در قبل از وقایع سال ۸۸، نیز آن نامه معروف را به رهبری نوشتند و بسیاری از وقایع تلخ آینده را پیش‌بینی کردند و یا در زمان وقایع آن سال، ایشان خطبه معروف سال ۸۸ را در آن شرایط مکانی و زمانی ملتهب و بسیار دشوار در دانشگاه تهران ایراد کرد و با تکیه بر خواست و اراده مردم، راه حلهای کارگشایی را ارائه داد که البته متأسفانه به آنها عمل نشد و اکنون بسیاری معتقدند که اگر به آن راه حلها هم توجه و در زمان مناسب، اجرا می‌شد، شاید جلوی بسیاری از بحران‌ها و زمینه‌های انحرافی بعدی که الان دچارش هستیم گرفته می‌شد.

البته در عمر سیاسی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نمونه‌های بسیار زیادی ازاین دست خاطرات وجود دارد که مناسب است تحلیلگران دل سوز و واقعی کشور و تاریخ‌نگاران غیر سفارشی و منصف، آنها را از منابع استخراج کنند. مثل تصمیم و پیگیری برای تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی در اوایل انقلاب با آن همه ثمرات و برکات که برای پیشبرد علم و دانش کشور و همچنین بیداری و بالطبع تأثیر در خانواده آنها و نسل جوان داشته و دارد.

ایده بلند راه‌اندازی راه آهن درون شهری (مترو) در کلان شهرها به ویژه شهر تهران که در آن زمان بسیاری از مسئولان آنرا کالایی لوکس! دانسته و به شدت با آن مخالفت می‌کردند و ایشان را بابت این پیشنهاد، بسیاری از کج فهمان، سرزنش می‌کردند که خود حدیث مفصّلی دارد.

تدابیر ایشان برای یافتن راههای تامین مهمات و جنگ افزار در زمان جنگ به ویژه موشک و تفکر راه‌اندازی صنعت موشک سازی در کشور و... نمونه‌های دیگری از نبوغ و تفکر سازنده ایشان در مقاطع بحرانی هستند.

نقش آیت‌الله هاشمی در بن بست شکنی در سیاست خارجی و ایجاد تفاهم و صلح و ثبات منطقه‌ای بویژه کشورهای مسلمان، منطقه و عربستان سعودی نیز بر کسی پوشیده نیست. درحالی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به عنوان فردی شیعه، ریاست کنفرانس بین‌المللی گفتگوی اسلامی در مکه را به عهده گرفت و نقش اساسی در آن ایفا کرد که بیش از ۳۰۰ تن از روسای وهّابی و بزرگان مذاهب غیر شیعه در آن حضور داشتند. همچنین در مورد هشتمین کنفرانس سران کشورهای اسلامی که در ۱۶ آذرماه ۱۳۷۶ در تهران تشکیل شد نیزآمریکاییها و گروهها به عربستان فشارهای عجیبی وارد کردند که نباید از این کشور، شخصیت یا هیئتی به این کنفرانس اعزام گردد و تهدید کردند اگر ملک عبدالله برود شاید اتفاقاتی حتی کودتا در نبود ایشان رخ دهد. همین فشارها را به سایر پادشاهان و روسای جمهور ازجمله اردن، مراکش، یمن و سایر کشورها وارد آوردند تاشاید بتوانند کنفرانس تهران را به شکست بکشانند، به گونه‌ای که دو شب مانده به افتتاح، خیلی‌ها از حضور در کنفرانس انصراف دادند.ولی سعودیها با تمام ظرفیت خود آمدند چون آیت‌الله هاشمی، با بزرگواری که درکنفرانس فوق‌العاده سران کشورهای اسلامی در پاکستان انجام داده وبه دیدار ملک عبدالله رفتند راه را برای برگزاری اجلاس در تهران ورفع کدورت‌ها هموار کردند.

در این قسمت به چند نمونه از مواضع و سخنان روشنگرانه و مترقی ایشان در خصوص سیاست خارجی اشاره می‌کنم.

«بخش عمده مشکلات اقتصادی، معلول سیاست خارجی است. تحریمهای بی‌سابقه‌ای به ما تحمیل شده. اگر مدیریت درستی بتواند با خارج مسائل را حل کند، دو گره اصلی، یعنی تفرقه داخلی و روابط خارجی مان باز می‌شود. به جز رژیم نامشروع اسرائیل،با بقیه دنیا می‌توانیم کار کنیم.دلیلی هم ندارد که استثنایی داشته باشیم.باید منافع خودمان را در نظر داشته باشیم.نباید خودمان را به این روزی که هستیم بیندازیم. بعد از جنگ،شرایط کشور خیلی بد بود.بیش از ۵۱ درصد بودجه، کسری داشت. فقط یک میلیارد دلار ارز و در مقابل ۱۲ میلیارد دلار،بدهی سررسید شده داشتیم. حداکثر، پنج یا شش میلیارد دلارهم درآمدنفتی داشتیم. هزینه‌های بعد از جنگ، خرابیها و... ولی با تشکیل دولتی فرا جناحی و حل مسائل سیاست خارجی،صدام به جزای خودش رسید. اینها نتیجه سیاستهای درست بود...(خرداد ۱۳۹۲)

ایجاد و توسعه روابط و همکاری با کشورهای منطقه بویژه عربستان، ضروری است.عدم همکاری مناسب ایران و عربستان منجر به وجودآمدن خسارتهای عمده‌ای در جهان اسلام می‌گردد.در مسئله نفت به خاطر عدم همکاری و رقابت در عرضه کردن نفت، باعث شد تا بالغ بر یکصد میلیارد دلار به خزانه کشورهای غیرمسلمان واریز شود.یک همکاری محدود بین ایران و عربستان باعث ترمیم قیمت نفت و نزدیکی منافع دو کشور مسلمان گردید. (دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی ـ تهران ۱۳۷۸)

همچنین احترام، نفوذ و اقتدار سیاسی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی،نزد حاکمان کشورهای آسیای میانه، در اوج بحرانهای سیاسی و اقتصادی بر کسی پوشیده نیست.

پس از استقلال کشورهای آسیای میانه، سفر به موقع ایشان به این کشورها،فتح بابی بود برای همگرایی بین این کشورها و شالوده بسیار مستحکمی برای روابط با این کشورها به وجود آورد. رئیس جمهوری ازبکستان در اولین برخورد، به دلیل عقلانیت و صمیمیت آقای هاشمی، از ایشان در مورد نحوه تبدیل روبل به پول مستقل، مشورت می‌خواست.

رئیس جمهوری ترکمنستان به حدّی به ایشان اعتماد داشت که حتی مسائل سیاسی محرمانه خود را درمورد کشورهای همجوار، با ایشان مطرح و نظرخواهی می‌کرد.

رئیس جمهوری آذربایجان با تواضع و احترام خاصی از ایشان برای حل مشکل پیشروی ارمنستان در آذربایجان و در موضوع قره باغ، کمک می‌خواست و این نشان از اقتدار و تکریم آیت‌الله هاشمی تقریبا در بین همه کشورهای منطقه داشت و درخواست ارمنستان برای کمک به آن کشور.

قدرت و نفوذ دیپلماسی آیت‌الله هاشمی در حل مشکل سد مرزی دوستی با کشور ترکمنستان نیز نمونه دیگری در این رابطه است. زمانی که ایشان دیگر رئیس‌جمهور نبودند سفری به شهر مقدس مشهد داشت در این سفر شنیدند که اجرای سد دوستی با ترکمنستان به مشکل خورده و متوقف شده است. تصمیم گرفتند بدون تشریفات رسمی برای بازدید از این سد مرزی، به منطقه سرخس بروند. وقتی آقای صفر مراد نیازوف، رئیس‌جمهور وقت ترکمنستان در جریان این سفر قرار گرفت اعلام کرد ایشان هم به احترام آقای هاشمی به منطقه مرزی خواهد آمد ولی متأسفانه، وضعیت جوّی خراب شد و نتوانست با هلی کوپتر بیاید ولی سه نفر از وزرای خود را فرستاد و در تماس تلفنی در جلسه‌ای که از بلندگو پخش می‌شدخطاب به وزرای خود گفت: «آیت‌الله هاشمی،جای من است و هر تصمیمی گرفت، تصمیم من است و شما موظف به اجرا هستید.»

و اینگونه شد که مشکل ادامه ساخت سد مرزی دوستی حل و بعدها هم بحمدالله افتتاح شد.

البته از این موارد و خاطرات بسیار زیاد است که به دلیل طولانی‌تر نشدن متن از ذکر آن خودداری کرده و به همین حد بسنده می‌کنم.

موفق باشید.